

گُل و اژه‌های نور

سخنان رهبر انقلاب در جمع راه‌یافتگان به مرحلهٔ نهائی مسابقات
سراسری حفظ، قرائت و مفاهیم قرآن کریم سمپاد
(تهران- ۱۳ اردیبهشت، ۱۳۷۹)

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خیلی خوش آمدید جوانان عزیز، محیط کار و زندگی ما را نورانی کردید، هم با صفای
دل‌های پاک و منور خودتان، هم به برکت قرآنی که در سینه و ذهن و دل شماها - بحمدالله - جای
گرفته است.

عزیزان من - چه پسرها و چه دخترها - قدر این نعمت بزرگی آشنایی و انس با قرآن را بدانید.
قدر دانستنش هم به این است که اولاً هر مقداری از قرآن که «حفظ» هستید با تکرار، آن را
برای خودتان نگهدارید، نگذارید که از لوح ضمیر پاک و نورانی شما زدوده شود. با تکرار، با
خواندن، مکرر خواندن قرآن، همان مقداری که در حفظید، اگر همهٔ قرآن یا بعض قرآن.
ثانیاً با «تدبیر» در آیات قرآنی، وقتی انسان قرآن را با خودش همراه دارد و معنای قرآن را
هم می‌فهمد - که باید سعی کنید این را هم انشاءالله حتماً داشته باشید. امروز ترجمه‌های خوبی
هست قرآن را ترجمه‌های خوب فارسی کرده‌اند وقتی این عامل را همراه خود دارید - یعنی
هم قرآن را حفظید، هم معانی آن را می‌دانید - با تکرار آیات فرصتی پیدا می‌شود برای اینکه
ذهن شما به نکات قرآن، التفات و توجه بکند، هر چه طرز فکر انسان بالاتر و معرفت انسان

بیشتر بشود، فهم

او از قرآن عالیت‌ر و راقی‌تر و روشن‌تر خواهد شد. و متقابلاً هر چه با قرآن بیشتر انس بگیری و از قرآن استفاده کنی، «معرفت» شما و «فکر» شما بالاتر خواهد رفت، این دو تا روی هم اثر متقابل دارند. قرآن به شما کمک می‌کند که معرفتتان نسبت به مفاهیم عالی آفرینش، مفاهیم اسلامی و الهی، بالا برود و روشن بینی پیدا کنید نسبت به همه کائنات، نسبت به همه آفرینش، نسبت به همه مفاهیمی که در زندگی، سر راه انسان قرار می‌گیرد. به هر اندازه هم که این حالت در شما پیدا بشود و روشن بینی شما بیشتر بشود، از قرآن استفاده بیشتری خواهید برد، همینطور رو به تازید است. بنابر این قدر دانستن قرآن به این است که عرض کردم. ممکن است بعضی بگویند «عمل»، البته بدون عمل که فایده‌ای ندارد، اما شما بدانید اگر آن «معرفت» قرآنی که من عرض می‌کنم، در شما به وجود بیاید، «عمل» از آن انفکاک ناپذیر است. وقتی شما به چیزی «معرفت» پیدا کردید، به سمت او، به طور قهری و طبیعی حرکت می‌کنید. «عمل» انفکاک پذیر نیست. اینکه می‌بینیم عده‌ای از مردم دچار بی‌عملی، دچار رکود، دچار جمود، دچار پستی‌های اخلاقی، پستی‌های روحی، دچار کارهای خلاف اخلاق و معنویت و خلاف انصاف و خلاف عدالت شده‌اند و مثل حیوانات عمل می‌کنند، در درجه اول ناشی از این است که آن نور «معرفت» در دل آنها نیست. ممکن است معلومات داشته باشند، کتاب خوانده باشند، حرف‌های نویی یاد گرفته باشند، لکن «معرفت» یک مقوله دیگر است، یک عنصر دیگری است آن را ندارند.

شما به برکت قرآن و تدبیر در قرآن، همینطور که گفتم مقوله معرفت را، مقوله نورانیت را پیدا می‌کنید و بدانید عزیزان من، برای اینکه ما یک جامعه‌ای به وجود بیاوریم که این جامعه، هم از لحاظ مادی، علمی و صنعتی دچار عقب ماندگی نباشد و در دنیا پیشرو باشد، بر روی زندگی دنیا اثرگذار باشد، و در عین حال، با اینکه پیشرفت علمی دارد، از لحاظ «معنویت» دچار آفت‌های معنوی، که امروز غرب دچار آن هست، نباشد. ایده آل این است، ما می‌خواهیم دنیایی داشته باشیم که هم از علم و معرفت و دانش و تکنولوژی و پیشرفت‌های علمی و اکتشافات و کشف کردن دنیاها، جدیدی در دل این طبیعت، برخوردار باشد، که امروز متأسفانه کشور ما از این جهت عقب است، در اثر بد عمل کردن حکومت‌ها در طول ۲۰۰ سال گذشته، تا دوران انقلاب، دچار عقب ماندگی هستیم، بعد این عقب ماندگی‌ها که بر طرف شد - مثلاً شدیم مثل کشورهای پیشرفته علمی امروز دنیا - آن مقوله دیگر، آن کمبود دیگر،

اهمیتش و خسارتش از این کمتر نیست، ما اگر جامعه‌ای داشته باشیم از نظر علمی پیشرفته، اما دچار تبعیض، دچار فساد اخلاق، دچار غیبت، دچار فقر اخلاقی شدید، دچار فراموشی معنویت و چسبیدن به شهوات زندگی - همین حالاتی که امروز غرب دچار آن است - این خیلی خسارت بزرگی است. این خیلی ضرر عمده‌ای است. به ساختمان و در و دیوار که فقط نمی‌شود نگاه کرد، زندگی که این نیست، زندگی در درون انسانهاست، شادی و احساس سعادت و بهجت، در دل انسانهاست، در درون انسانهاست که در دنیای غرب این نیست. به خاطر فقر معنوی، به خاطر فقر اخلاقی، ما می‌خواهیم این را هم نداشته باشیم. پس با دو بال - «بال مادی» و «بال معنوی» - می‌خواهیم حرکت کنیم به سمت اوج انسانی و تکامل انسانی. برای این چه کار باید کرد، آیا این هدف نزدیکی است؟ آیا این هدف آسانی است؟ من می‌توانم بگویم این هدفی است دست یافتنی، اما به هیچوجه «نزدیک» و «آسان» نیست. به سمت این هدف چه طور می‌توان حرکت کرد؟ به سمت این هدف جز با نیروی شما جوانها و همت شما جوانها و نشاط شما جوانها نمی‌شود جلو رفت.

نقش «جوانها» اینجا معلوم می‌شود، شما باید با نشاط و همت و تلاش و امید و قوای جوانی خودتان، این راه طولانی، اما دست یافتنی را طی کنید و کشورتان و ملتتان را به آنجا برسانید. این در چند سال بدست می‌آید؟ نمی‌شود گفت. ممکن است خیلی کوتاه، ممکن است خیلی طولانی، اما به هر حال حرکت این راه، محتاج «جوانها» ست، جوانها هم اگر بخواهند در این راه خوب حرکت کنند، این قرآنی که شما دارید، می‌شود «مشعل».

اینجاست که نقش قرآنی بودن را می‌شود فهمید. شما «تیزهوشها»، شما «بااستعدادها»، شما جوانهای پیشرفته، این «مشعل» را باید در دستتان نگهدارید، «مشعل قرآن» را، در دلتان در واقع نگهدارید. آنوقت درس بخوانید، فکر کنید، کار کنید، به فکر راههای جدید باشید، به فکر گشودن سرزمینهای ناگشوده باشید. گشودن سرزمینهای ناگشوده در علم، در معرفت، در پیشرفت، در صنعت، در همه چیز. «فقر علمی» کشور را با تلاش خودتان برطرف کنید، فقر «تحقیقات» را بر طرف کنید و همه اینها را همراه با «قرآن» طی کنید. این می‌شود آن ایده‌آل. این است که من به جوانان خیلی امیدوارم و به جوانانی که با قرآن و معارف اسلامی آشنا هستند به مراتب امیدوارترم.

- پروردگارا این جوانهای عزیز ما را در صراط مستقیم خودت ثابت قدم بدار
- دلهای پاک و نورانی آنها را به سمت هدفهای عالی خود رهبری و هدایت بفرما

- پروردگارا، ارواح مطهر و طیب و طاهر شهدای عزیزمان و روح مبارک امام بزرگوار را،
دعاگوی تلاش این جوانان قرار بده.
والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته- انشاءالله موفق باشید.